

سیری در هنر ایران و دیگر سرزمین های اسلامی

(از قرن سوم تا یازدهم هجری)

بر اساس : نمایشگاه هنر اسلامی پاریس (۲۲ ژوئن تا ۳۰ اوت ۱۹۷۱)

۳۱ تیرماه تا ۸ شهریور ۱۳۵۰)

(۲)

بررسی ، ترجمه و نوشته : دکتر پرویز ورجاوند
استاد باستانشناسی دانشگاه تهران

هنر پارچه بافی

باید یکی از عوامل مؤثر بر وز جنگهای یکصد ساله بین امپراطوری ایران و روم دانست .

— پیروزی اعراب ، به کار و فعالیت کارگاههای پارچه بافی خاتمه نداد . فاتحان جدید در این زمینه نظیر سایر موارد کوشیدند تا از تجربه و هنر این هنرمندان استفاده برند .

— درقرنهای اولیه هجری ، ایران (بخصوص خراسان) و مصر بعنوان دوماکز مهم و عمده ساخت و بافت پارچه بشمار می رفتند .

— در ایران سنت های دوره ساسانی از قبیل نقشهای داخل دایره با حاشیه ای از مروارید و پره چرخ و حیواناتی با روبان در دو طرف درخت زندگی و نظایر آنها مدنظر پایدار ماند . ولی با گذشت زمان تزئینات پارچه ها پیچیده تر شدند ، و چرخها به «مدایون» های بیش و کم پیچیده تبدیل یافتند . بر امر پیچیده شدن طرحها امر پیچیده گشتن تکنیک را نیز باید افزود . در قرن چهارم هجری بر پارچه های ابریشمی با میله های طلا و نقره ، که تا آن عهد تعداد فراوانی تولید میشد ، پارچه های ابریشمی با نقش های برجسته نیز اضافه گردید .

این نوع پارچه آخرین گونه پارچه ایست که ایران دوره سلجوقی برای ما بعنوان هدیه بارث گذارده است .
در این گونه پارچه ها تزئیناتی مرکب از سنت های کهن

پارچه های شرقی در تمام دورانها معروفیت بسزائی داشته و در قرون وسطی یکی از اقلام مهم تجارت این سرزمینها را تشکیل میداده و توسط خلفا و سلاطین شرقی بصورت هدیه برای حکمرانان غربی فرستاده میشده است .
وقایع نگاران نقل میکنند که چگونه سفرائی که بکشورهای اسلامی میرفتند در مقابل عظمت لباس شرقی ها لب به تحسین میگشودند .

— همچنین باید دانست که شرکت کنندگان در جنگهای صلیبی با چه دقتی پارچه های جالب را برای پوشانیدن تابوت مقتولین جهت بازفرستادن به غرب جستجو میکردند . این پارچه ها هم اکنون موجبات ثروت و معروفیت تعدادی از خزانه های کلیساها را فراهم ساخته است .

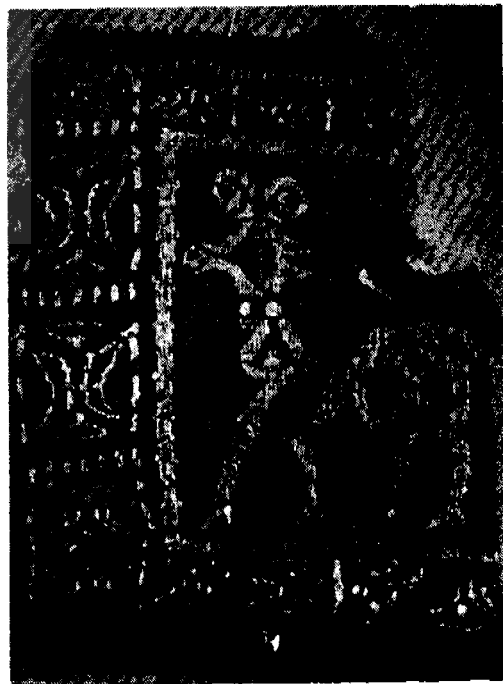
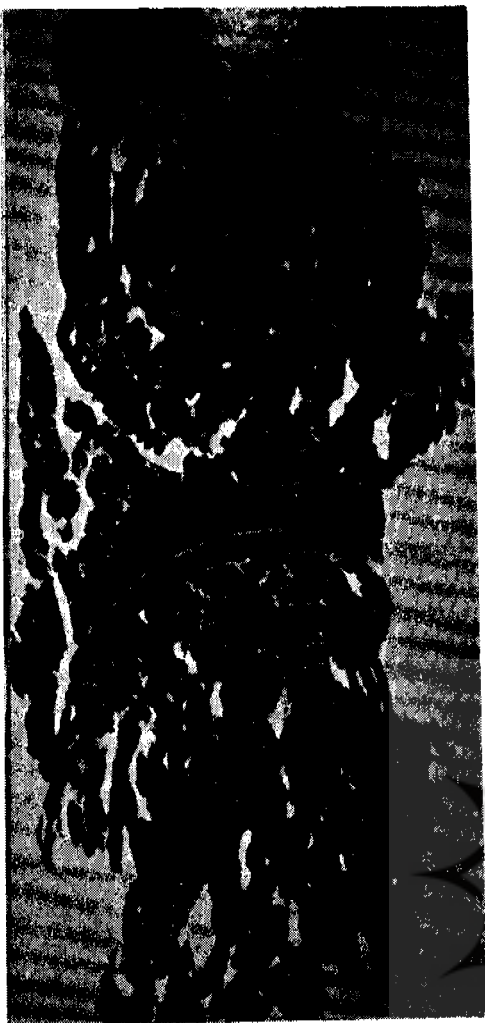
— مقام برتر مشرق زمین در هنر بافندگی به آسانی بیان کننده نقش مهمی است که توسط ایران از دوران کهن ب بعد ایفاء شده است .

— امپراطوران ساسانی تجارت ابریشم را در انحصار خود داشتند و کاروانهائی که اجناس قیمتی را از چین تا مدیترانه ، روم و بیزانس حمل میکردند از سرزمین های آنها میگذشتند . چنانکه داشتن این موقعیت و در اختیار داشتن حق انحصار پارچه های ابریشمی توسط ایران و امر تسلط بر گذرگاهها را

۱ - پارچه با نقش قوچ : بافته شده در مصر از جنس پشم بر روی کتان - قرن سوم هجری - از مجموعه موزه کولونی فرانسه . زمینه قرمز و نقش روی آن برنگهای : آبی ، سبز و زرد

۲ - پارچه با نقش پرندگان : بافته شده در ایران یا عراق - قلابدوزی و از جنس پشم - مربوط به قرن چهارم یا پنجم هجری - از مجموعه موزه کولونی فرانسه . تزئینات چند رنگ بر روی زمینه قرمز . دواير مماس برهم ، داخل هر دایره دو پرنده نوک به نوک با بالهای باز طرح شده است . نفوذ هنر ساسانی در تمامی این اثر بخصوص در جزئیات آن دیده میشود

۳ - کفن زوزه مقدس : بافته شده در ناحیه خراسان - از جنس ابریشم - مربوط به قرن چهارم هجری - از مجموعه بخش اسلامی موزه لوور . پارچه مزبور از دو قطعه نامساوی با زمینه قرمز رنگ تشکیل شده است . نقش وسط پارچه عبارتست از دو فیلی که در برابرهم قرار گرفته اند . هر دو حیوان بشدت زینت شده اند . بین پاهای عقب و جلوی آنها دو اژدهای کوچک قرار دارد . حاشیه ای با نقش قلب بصورت زنجیره تصویر میانی را از یک ردیف تصاویر فیلی دیگر جدا ساخته است . در لبه پارچه حاشیه پهن یک کتیبه کوفی برنگ زرد دیده میشود که در متن آن برای حکمران خراسان بنام ابومنصور بوختگن آرزوی موفقیت شده است . حاشیه آخری عبارتست از یک حاشیه کاملاً تزئینی با نقش یک کاروان از شترهای دو کوهانه . در گوشه های چهارگانه که محل تقاطع حاشیه های افقی و عمودی است ، چهار گوشه هائی بوجود آمده که تصویر خروسی به شیوه عهد ساسانی در آنها طرح شده است . این قطعه پارچه با احتمال در اولین نبردهای صلیبی توسط « اتین دو بولوا » به دیر سن زوزه در بادوکاله آورده شده است .



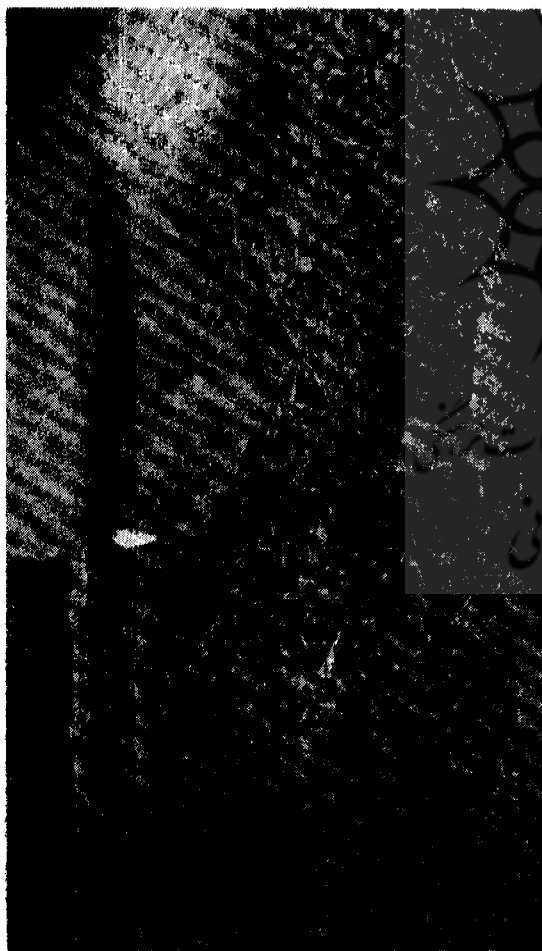
شهرت
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جلد علوم انسانی



۴



۶



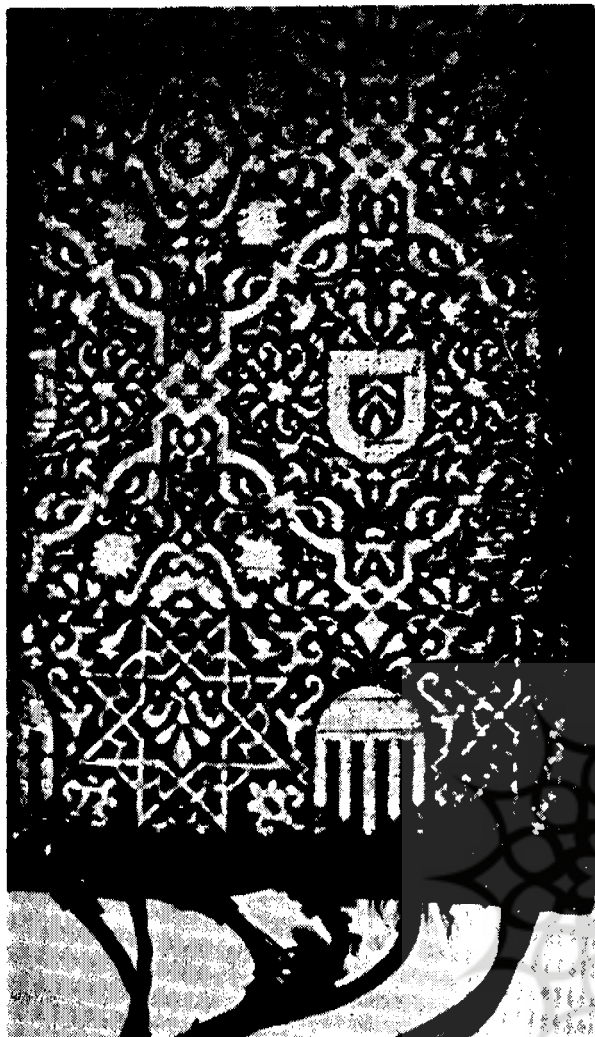
۵

۴ - پارچه با نقش قهرمان در حال خفه کردن دوشیر: بافته شده در ایران - از جنس ابریشم با نقش برجسته - مربوط به قرن چهارم هجری دوره آل بویه - از مجموعه بخش اسلامی موزه لوور . در نقش مزبور از یک فرینه سازی کامل پیروی شده است . زمینه نقش کرم و خود آن برنگ قهوه‌ای انجام شده است . چنانکه مشاهده می‌گردد نقش مزبور عبارتست از تصویر انسانی با طرح تمام رخ که در زیر هر بغل شیری را با چهره نیمرخ قرارداده و میفشارد . آرایش موی سر مرد بصورت موهای لوله شده‌ای که بر روی شانه‌ها ریخته انجام گرفته است . جامه او بلند و دارای تزئینات فراوان و طرحهای هندسی است . نمونه این نقش را در آثار کهن ایران ، بخصوص دوران هخامنشی و حتی در هنر برنز کاران لرستان می‌توان باز شناخت . از نظر جزئیات طراحی نیز ، اثر مزبور تحت تأثیر سنت هنری دوران ساسانی قرار دارد .

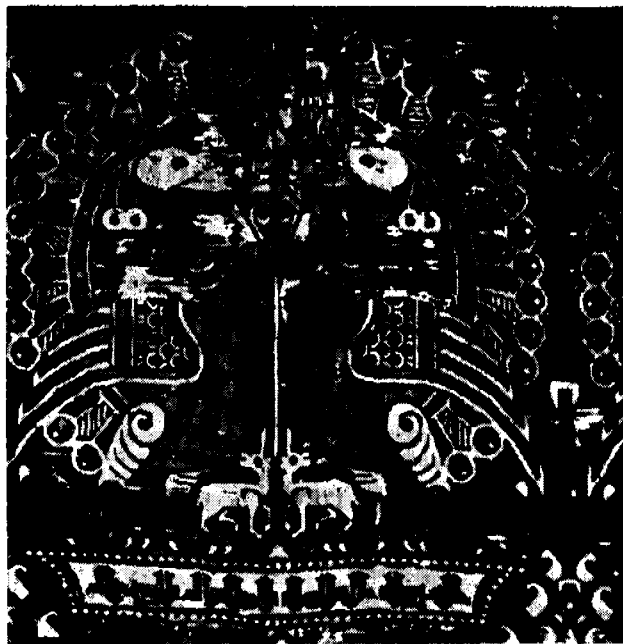
۵ - پوشش روی قبر : از جنس ابریشم برجسته بر روی زمینه ساتن - بافته شده در شهر ری - مربوط به قرن پنجم یا ششم هجری - از مجموعه موزه کولونی فرانسه . طرح اصلی عبارتست از لوزی‌های دنیال هم . در داخل لوزی‌ها با نوعی نقش گیاهی بیچک مانند ، شبیه به طرح اسلیمی برخورد میشود . لوزیها نیز دارای حاشیه‌ای هستند که در متن آن نقش گل و گیاه است و در بین گیاهان تصویر خرگوش‌ها و سگ‌هایی که در پی یکدیگر میدوند دیده میشود . بر روی حاشیه اصلی مستطیل شکل پارچه که مجموعه لوزی‌ها را دربر گرفته است کتیبه‌ای بخط کوفی طرح شده است .

۶ - پارچه ابریشمی - کتانی - بافته شده در مصر - مربوط به قرن پنجم یا ششم هجری - از مجموعه موزه کولونی فرانسه . شبیه‌ای که در بافت این پارچه بکار رفته ، عبارتست از نوعی گوبلین بر روی متن کتانی ، از تکنیک خاص مصر دوران قبطی‌ها الهام گرفته است .

۸ - پارچه با نقش گل روزاس و پرندگان : از جنس ابریشم برجسته و تارهای طلا - بافته شده در گروناد اسپانیا - مربوط به قرن هشتم و نهم هجری - از مجموعه موزه پارچه لیون . نقش های اصلی پارچه را طرح های هندسی تشکیل میدهد که با ابریشم برجسته چند رنگ بر روی زمینه قرمز و آبی اجرا شده است .



۹ - قطعه ای از یک کمر بند زنانه : از جنس ابریشم طبیعی با تار طلا - بافته شده در مراکش - مربوط به قرن دهم هجری - از مجموعه موزه هنر آفریقا و اقیانوسیه . رنگ زمینه آن بنفش و تزیینات آن بکمک تار طلا انجام شده است .



۷

۷ - شل شاه ربرت : از جنس ابریشم - بافته شده در اسپانیا - مربوط به قرن ششم هجری - از مجموعه گنجینه کلیسای « سرن مقدس » واقع در تولوز . در این پارچه شش باند افقی بر روی زمینه آبی متمایل به سیاه اجراء شده است . باندهای شش گانه عبارتست از ردیف دوایری که بر اثر چترگشودن دوطاوسی مقابل هم بوجود آمده است .

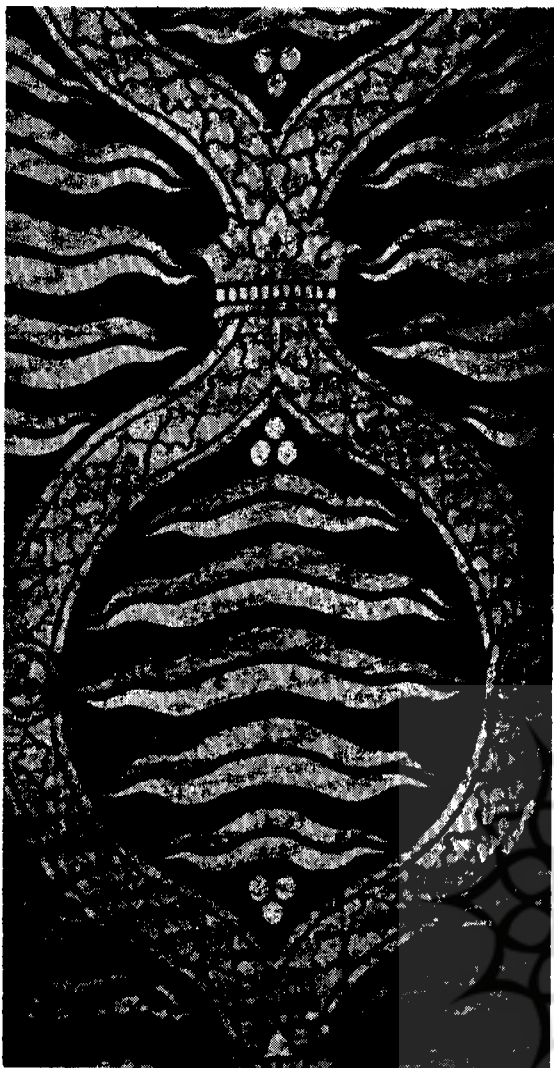
۱۰ - قطعه مخمل گلدوزی شده با تارهای طلا : بافته شده در شهر بروسه ترکیه - مربوط به قرن یازدهم هجری . از مجموعه موزه هنرهای تزئینی پاریس . زمینه مخمل قرمز رنگ و نقش روی آن از تارهای طلا است . رنگ قرمز در دربار عثمانی از جمله رنگهای جالب و مورد پسند بوده است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ایرانی با تزئینات آسیای مرکزی بهم آمیخته است . در این پارچه‌ها تزئین نوشته و کتیبه جایگاه مهمی را دارا میباشد و مجموع آن معرف تمدن درخشان ایران دوره سلجوقی است .

۱ - درباره اشاره به کشفیات سال ۱۹۲۵ در ناحیه بی‌شهر بانو جا دارد که بعلت اهمیت موضوع و اینکه بخش عمده آثار پارچه‌ای مکشوف در ناحیه « ری » مربوط به دوره آل بویه بوده است ، مطلبی را که در ضمن مقاله « بنای تاریخی بقعه بی‌شهر بانو در ری » نوشته محقق ارجمند آقای سید محمد تقی مصطفوی در جلد سوم گزارشهای باستانشناسی

هنر مردم



۱۰

- کشفیات سال ۱۹۲۵ در بی‌شهر بانو که منجر به کشف گنجینه جالبی از پارچه‌های ابریشمی شد ، موجبات تقویت اطلاعات ما را در مورد این دوران فراهم ساخت^۱ .

سال ۱۳۳۴ از صفحه ۲۷۹ بعد آمده است در اینجا نقل کنیم :
« يك كيلومترى جنوب بی‌شهر بانو و قریب يك كيلومترى مشرق تقاره‌خانه نیز آثار بناى مشتمل بر برج سنگی و گچی بزرگی بوده که قسمتهائی از شالوده آن موجود است و نقشه آن بوسیله آقای مهندس بقیه در صفحه بعد

۱۱



۱۲

۱۱

۱۱ - پارچه مخمل با نقش گل میخک : بافته شده در ترکیه - مربوط به قرن یازدهم - از مجموعه موزه هنرهای تزئینی پاریس . مخمل مزبور برنگ قرمز و با تارهای طلا بافته و تزئین شده است .

۱۲ - پارچه با نقش گرفتار : از جنس ابریشم نقش برجسته بر روی زمینه ساتن - بافته شده در تبریز - مربوط به قرن دهم هجری - از مجموعه موزه هنرهای تزئینی پاریس . نقش پارچه عبارتست از یک باغ پرگل و گیاه که در میان آن جنگجویی یک اسیر دست بسته را با خود می برد . رنگ زمینه قرمز و تزئینات آن برنگ : سبز ، زرد و خاکستری است . نقش مربوط به جنگجو و اسیر دست بسته از جمله نقش‌هایی است که در زمان شاه طهماسب صفوی تحت تأثیر مینیاتورهای محمد هروی فراوان اجراء شده است .

در این راه استنباط و کسب اطلاع کم این بود که در محل نقاره‌خانه و تپه گیری ضمن حفاریهای غیر علمی آثرمان استخوان اموات و قطعات پارچه‌های ذیقیمت عهد دیلمیان را یافته‌اند و باقتضای بی‌خبری و درک نکردن اهمیت و نفاست این آثار کلیه قطعات پارچه‌های مزبور از ایران خارج و زیب موزه‌ها و مجموعه‌های کشورهای دیگر گردیده است . نگارنده برای اینکه از جریان کشف مقابر دیلمیان و پارچه‌های نفیس بقیه در صفحه بعد

هنر مردم

بقیه از صفحه قبل

بنائی ترسیم گشته و چگونگی آنرا نمایان میسازد .
در حدود سال ۱۲۹۸ خورشیدی که اینجانب مراحل آغاز تحصیل در دبیرستان را طی مینمودم و اهمیت آثار تاریخی کشور ایران کم و بیش در روزنامه‌ها عنوان میگردد اخبار و مطالبی مبنی بر کشف اجساد مومیائی و کفتهای ذیقیمت در کوه امین‌آباد منتشر شده بود پس از سالیان دراز که افتخار خدمتگزاری در راه آثار باستانی نصیبم شد آنچه توانستم

۱۳

۱۳ - پارچه با نقش لیلی و مجنون : از جنس ابریشم نقش برجسته بر روی زمینه ساتن - بافته شده در ایران - مربوط به اواخر قرن دهم هجری . از مجموعه هنرهای تزئینی پاریس . زمینه پارچه فهوه‌ای نزدیک به سیاه و نقش آن برنگ کرم انجام گرفته است . صحنه عبارتست از منظره یک صحرای گل و گیاه با حیوانات جنگلی . در وسط آن مجنون نیمه عریان در حالیکه دست در گردن آهوئی انداخته ، نشسته است . در بالای تصویر کجاوه‌ای دیده میشود که حامل لیلی است و جلوداری دهانه شتر را در دست دارد . بدست لیلی تابلویی قرار دارد که بر روی آن نام « غیاث » ساکن برد نوشته شده است . غیاث نام یکی از استادکاران معروف پارچه باف ایرانی بوده و عضویت دربار شاه عباس صفوی را داشته است . پادشاهان هند و عثمانی و امپراتوران بیزانس برای او احترام خاصی قائل بوده‌اند . چنانکه با امید دریافت پارچه‌های بافت کارگاه او برایش هدایای قابل توجهی میفرستاده‌اند

۱۴ - مخمل با متن ساتن و تارهای فلزی : بافته شده در اصفهان - مربوط به قرن یازدهم هجری - از مجموعه بخش اسلامی موزه لوور . زمینه آن قرمز مایل به نارنجی است و تزئینات آن به گونه طرحها هشت ضلعی و گل و گیاه صورت گرفته است

۱۴



۱۳



— در مصر نیز قبطنی‌ها خود را در اختیار فاتحان عرب قرار دادند و شیوه تکنیکی سنتی خود را با تزئینات و طرح‌های جدید منطبق ساختند و حاصل کار آنها عبارت بود از پارچه‌ها و بافته‌های پشمی و ابریشمی .

بقیه از صفحه قبل

آن زمان که روی اجساد و تابوت‌ها می‌داخته‌اند و از نمونه‌های بدیع هنری و تاریخی بسیار ذیقیمی است که از ایران برده‌اند بیشتر اطلاع یابم توانستم بوسیله شخص مطلعی که خود در کار حفاری حول وحوش نقاره‌خانه و تپه گبری شرکت داشته و در روزگار جوانی شاهد پیدایش این آثار و از دست رفتن آنها بوده است در این موضوع اطلاعاتی تحصیل نمایم — بقراریکه مطلع مزبور حکایت مینمود در حدود سال ۱۳۰۰ شمسی حفاران تجارتی ری بر اثر اینکه دامنه کوهسار نقاره‌خانه طوری زیر پا صدا میکرد که میرساند درون صخره خالی است، شروع بحفاری در آنجا میکنند و به قبرهایی بر میخورند که اجساد مردگان را با کفن‌ها و روپوش‌های پارچه‌ای متعدد و تابوت‌های مخصوص در آنها گذارده بودند — در یکی از قبرها بعلت مسدود بودن قبر و عدم نفوذ هوا در آن قسمتهائی از بدن، من جمله یک دست و یک پا بوضعی شکفت‌آور تازه و سالم مانده بود و اصولاً بواسطه دقتی که در اندساز کلیه قبرهای موجود در نقاره‌خانه بکار برده بودند در سایر مقابر هم قسمتهای زیادی از بدن‌ها بوضعی سالم باقی مانده بود و این امر باعث شهرت کشف اجساد مومیائی گردید و در روزنامه‌های آنوقت نوشتند که در امین‌آباد قبور قدیمی با اجساد مومیائی پیدا شده‌است ولی این امر حقیقت نداشت بلکه قبرهای متعدد در دل سنگ‌کنده پس از دفن اموات آنها را در نهایت استحکام و دقت مسدود ساخته بودند و قبرهای قسمت بالای دامنه کوه بهتر محفوظ مانده آنها تپه بائین‌تر قرار داشت نفوذ آب به آنها لطمه و صدمه وارد کرده بود . قبرهای مهمتر و معتبرتر در بالای دامنه کوه واقع بود و مردگانی که در قسمتهای پائین تپه بخاک سپرده شده بودند مقام و منزلت کمتری داشتند و بر روی قبرشان اطاقهای کوچک که غالباً مزین به گچ‌بری بود ساخته بودند . اجساد مردگان خواه در قبور بالای تپه خواه در مقابر بائین آن با تابوت و هم بدون تابوت دیده میشود .

پس از آنکه در دامنه نقاره‌خانه برای نخستین بار باین آثار بر میخورند دامنه حفاری و تجسس را در حول وحوش نقاره‌خانه توسعه میدهند و بسافت قریب ۵۰ متری جنوب شرقی قبرهایی که ابتدا ظاهر گشته بود قبری هویدا میگردد که در آن علاوه بر مقداری پارچه‌های کفن و روپوش و لباس و غیره ، فرش از نوع گلیم هم وجود داشته است . فرش مزبور دارای زمینه سفید و حاشیه قرمز با کنیبه‌های کوفی بوده است . ضمناً علاوه بر مقبره اصلی دهلیزها و سردابه‌هایی در آن ایجاد کرده اجساد دیگری در آنها نهاده بودند . پارچه‌هایی که در مردگان بود یا لباس مخصوص اموات بود یا بصورت شهداء لباس اصلی را بر تن داشتند .

اجساد مردم عادی کفنهائی از پارچه‌های پنبه‌ای یا ابریشمی سبک در برداشت و کفنه‌های اجساد متمکنین از پارچه‌های ابریشمی لطیف‌تر دارای بافت و نقوش بهتر و ظریفتر ترتیب یافته بود . علاوه بر آن تعداد مختلفی روپوش‌های نفیس بود که روی اجساد میکشیدند یا روی تابوت میکشیدند و جسد را هم با تابوت بخاک میسپردند . هم‌اکنون نیز پارچه معروف به «برد» که اضافه بر کفن بر روی اجساد مردگان میکشند مرسوم است

— موضوع نقش این بافته‌ها اغلب سرشار است از نفوذ طرح‌های بیزانسی و ایرانی که در یک ذوق اسلامی با احساس حجمی مغایر با دوران کهن عرضه شده‌است .
— دوران درخشان فاطمی‌ها در مراکز مختلف بافت پارچه

و تعداد بیشتر برد شرعاً امری پسندیده و مستحسن بشمار میرود . قسمتهائی از لباس یا کفن و روپوش‌ها که در مجاورت شکم قرار داشت عموماً پوسیده و از بین رفته بود و آنچه در کنار بدن یا دور از آن بود سالم و محکم باقی مانده بود و چه بسیار که با فشار دست هم پاره نمیشد . قبری هم پیدا شد که در زیر جسد شخص متوفی توشکی از نوع مخدده‌های قدیم با پارچه ابریشم و پنبه فوق‌العاده ممتاز گسترده بودند و قسمتهای زیر بدن و پا پوسیده و آلوده شده سایر قسمتها سلامت مانده بود . بر روی بعضی قطعات پارچه‌ها کلمات العفو و الرحمه بخط کوفی خوانده میشد .

کاوشهای مزبور بر اثر پیدایش همین آثار تا مدت ده سال ادامه داشت ولی آثار مهم در همان مراحل اول بدست آمده که متأسفانه شخصیهائی مهم مسلمان و متدین هم در فروش آنها ذینفع بودند و بر اثر بی‌اطلاعی از اهمیت این پارچه‌ها با کمال سهولت آنها را از دست دادند .

مهمترین قسمت پارچه‌ها نصیب مستر «رید» انگلیسی که در استخدام دولت ایران و معاون خزانه‌دار بیکل بود گردید . مشارالیه دین اسلام اختیار نموده عبدالرضاخان نامیده میشد و بقراریکه اشخاص مطلع اظهار میداشتند مستر رید با عبدالرضاخان ، قریب پانزده کیلوگرم از پارچه‌های مکشوف در مقابر امین‌آباد را بمبلغ سی هزار ریال با اطلاع مقامات مربوط وزارت فرهنگ در آن موقع خریداری و از ایران خارج نمود و هنوز هم قسمتی از آنها را در اختیار و تصرف خود دارد و قطعاتی از آنها را نیز فروخته است .

مقداری هم از قطعات پارچه ضمن حفاری بسرقت رفته و آنها را به شخصی موسوم به «عاشراف» فروختند و قسمت مختصری نیز پراکنده گردیده و بدست این و آن رسید .

آقای محسن مقدم استاد دانشگاه تهران که مجموعه قابل توجهی از اشیاء عتیقه و آثار هنری ایران را جمع‌آوری نموده‌اند مجموعه جالبی هم از قطعات پارچه‌های قدیمی ایران دارند که مشتمل بر قریب دوهزار قطعه بوده در حدود پانصد قطعه آن مربوط بعهد صفویه است ، ضمناً یک قطعه کوچک هم از پارچه‌های عهد سلجوقی که در حول وحوش امین‌آباد ری پیدا شده است در هفت سال پیش بدست ایشان رسید که هر چند در قبال پارچه‌های مکشوف در ری بسیار ناچیز بشمار میرود و اندازه آن فقط قریب ۱۳ سانتیمتر در ۱۲ سانتیمتر است لکن از لحاظ اینکه متأسفانه در حال حاضر تنها نمونه از این گونه پارچه‌ها است که در ایران سراغ داریم لذا ذکر آن در این مقاله مناسب بنظر میرسد .

قطعه پارچه مزبور از ابریشم بوده زمینه آن خاکستری روشن و نقوش آن خاکستری تیره رنگ است موضوع نقش آن تصویر عقاب یا قوچی است که به سبک نقوش ساسانی تهیه کرده‌اند و دست کسی که پرنده مزبور را نگاه میدارد نمایان میباشد . قسمتی از کنیبه کوفی بطول ۸ سانتیمتر و عرض ۲ سانتیمتر در آن وجود دارد و آقای دکتر گیرشمن اظهار میدارد که کنیبه مزبور با توجه به قطعه‌ای که نزد آقای ماتوسیان در مصر هست مشتمل بر نام طفل میباشد .

تجلی دارد و این مراکز محصولات جالبی را برای ما به ارت
گذارده‌اند. هنر پارچه‌بافی فاطمی‌ها در زمان مملوکها بطور
کامل تغییر وضع داد.

— ترکیه عثمانی نیز موجبات پیشرفت هنر بافندگی را
فراهم ساخت. چنانکه امروز نفوذ تولیدات پارچه‌ای عثمانی
بر روی محصولات پارچه‌ای کارگاههای ایتالیا شناخته شده‌است.
کارخانه‌های پارچه‌بافی استانبول محصولات جالب خاص
دربار شاهی را بیرون میدادند که نمونه‌های آنها را در حال
حاضر در موزه «توب قاپی» میتوان مشاهده کرد. «بورسه»
نیز در کار تولید پارچه‌های مخملی تخصص داشت.

— همزمان با عثمانی در ایران دوران صفوی نیز در
شهرهای مختلف تولید پارچه به گونه‌ای پیشرفته و با رنگهای
جالب صورت میپذیرفت. کارگاههای پارچه‌بافی با همکاری
نقاشان و مینیاتورسازان فعالیت چشم‌گیری داشتند.
طرح پارچه‌های این عهد بیشتر عبارتست از گل‌های
به شیوه طبیعی بر روی زمینه‌ای از شاخ و برگ و گیاهان.

مجموعه مزبور به باغهای خاص آسیای جنوب شرقی شبیه
میباشد. در میان منظره باغ‌ها شخصیت‌هایی بسیار ظریف بگونه
آنچه در ادبیات فارسی توصیف شده نیز نقش گشته است.

برخی از اسامی استادکاران پارچه‌باف دوران صفوی تا
امروز بما رسیده و ما بر اساس نوشته‌های مختلف میدانیم که
این استادکاران نظیر هنرمندان بزرگ، هم در دربار شاه ایران
و هم در دربار شاهان دیگر مورد احترام بوده و معروفیت داشته‌اند.
— از حدود قرن هیجدهم، کوشش مشرق‌زمین برای آنکه
بافته‌های خود را مطابق سلیقه مغرب‌زمینی‌ها تهیه کند، سبب
گردید که کم‌کم نوعی انحطاط و خرابی در تکنیک و دکور
تولیدات آن بوجود آید و اعتبار کهن خویش را از دست بدهد.
— در تالارهای دوازده گانه نمایشگاه برویهم ۲۷ قطعه
پارچه و آثار بافته نواحی مختلف بشرح زیر عرضه شده‌است:
یازده قطعه از آن ایران، پنج قطعه مربوط به مصر، پنج قطعه
از اسپانیا، چهار قطعه از ترکیه، یک قطعه از مراکش و یک
قطعه از الجزایر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

